

حالا دیگر کمتر شهروند ایرانی است که از بحران‌های بسیار در حوزه انرژی در داخل کشور خبر نداشته باشد، بحران‌هایی که به نظر می‌رسد در فصل گرما با بحران برق و در فصل سرما خود را با بحران‌های گازی به رخ می‌کشد. بحران‌هایی که دولت وقت برای حل و فصلش حتی به صورت موقت نیز تلاش می‌کند که بر روی بخش صنایع سرپوش کند. به این ترتیب در ماه‌های گرم سال، صنایع با بحران جدی برق مواجه می‌شوند و در فصل سرما نیز بحران گازی چنان شدت می‌گیرد که حتی پتروشیمی‌های کشور نیز تنش جدی را در این مرحله تجربه می‌کنند.

◀ **وعده برای ساخت نیروگاه در لبنان**

حال در این شرایط که سال‌های اخیر و به خصوص پس از مانورهای تبلیغاتی دولت بروی مساله زمستان سخت اروپا، نوبت به تامین برق برای لبنان رسیده است. «ایران آمادگی تأسیس نیروگاه‌های ۲۰۰۰ مگاواتی را دارد»؛ این گفتمانی است که اخیراً حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ابراهیم رئیسی، مطرح کرده است، اما این آمادگی نه برای حل بحران برقی ایران که بلکه برای تأمین برق لبنان مطرح شده است. البته پیش از این و در ۷ اردیبهشت سال جاری نیز، امیرعبداللهیان در دیدار با همتای لبنانی خود گفته بود که جمهوری اسلامی ایران آماده همکاری برای حل بحران انرژی و برق در لبنان است و حاضر است تجربیات و کمک‌های فنی خود در زمینه احداث و راه‌اندازی نیروگاه‌های برق و نیز تعمیر و نگهداری در این حوزه را در اختیار لبنان قرار دهد. ادعاهایی که به گزارش اقتصاد ۲۴ با واکنش‌های جدی نیز مواجه شده بود که چطور در آستانه فصل گرما که ایران خود درگیر ناترازی‌های برقی جدی بوده، قرار است که برق و حوزه انرژی لبنان تأمین شود؟ و در همین حال این بار نه تکرار ادعاهای مطرح شده که اعلام آمادگی برای تأسیس نیروگاه‌های ۲۰۰۰ مگاواتی از سوی ایران در لبنان در شرایطی مطرح می‌شود که تأسیساتی که پیش‌روی کرد یک دوره سخت برای صنایع و شهرک‌های صنعتی کشور با خود به همراه داشت.

◀ **ساخت نیروگاه ۲۰۰۰ مگاواتی برای لبنان**

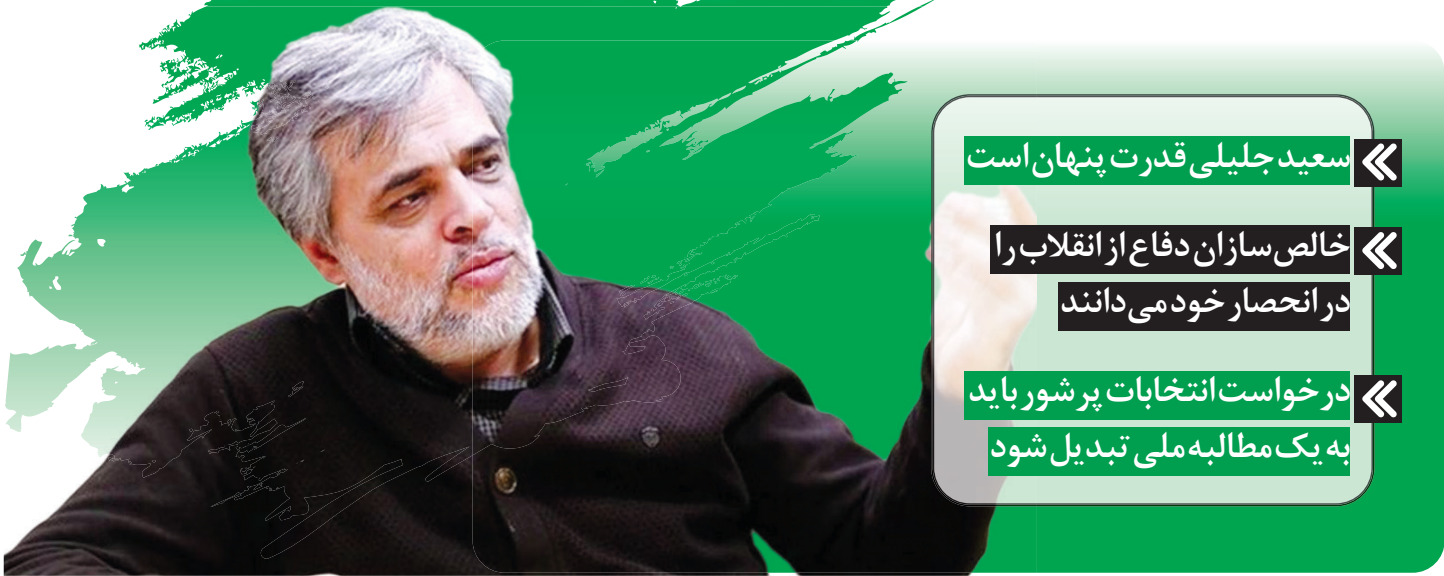
امیرعبداللهیان اعلام کرده است «هر زمان هیات وزیران تصمیم بگیرد ایران آمادگی دارد نسبت به اعزام نیروهای فنی و مهندسی خود و ایجاد نیروگاه‌هایی به حجم ۲۰۰۰ مگاوات برق در لبنان اقدام کند.» این پیشنهاد امیرعبداللهیان در شرایطی مطرح می‌شود که از ۱۵ خرداد سال جاری صنایع ایران در هفته دو روز خاموشی داشته‌اند و حتی شبکه خانگی هم با قطعی برق گاه و بیگاه مواجه می‌شود. حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، اخیراً پیشنهاد داد تا ایران با تأسیس نیروگاه در بیروت بحران کمبود برق لبنان را حل کند. البته این دو روز قطع صنایع در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از شهرک‌های صنعتی از روزهای بیشتری نیز در این باره حرف زده بودند. از سوی دیگر در این بین صنایع با اوضاع اسفناک‌تری روبرو بوده‌اند و انتظار که برخی از صاحبان صنایع در این باره می‌گویند، احتمالاً به بهانه تأمین برق شبکه خانگی، در سال جاری قطعی برق به پاییز و زمستان هم کشیده شود. موضوعی که فعالیت صنایع را با تهدید بی‌تعطیلی مواجه کرده است. وعده امیرعبداللهیان برای ساخت نیروگاه‌های ۲۰۰۰ مگاواتی در شرایطی مطرح می‌شود که دی ماه سال گذشته نیز سنیفا... امیری، مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صمت با اشاره به کمبود گاز برای کارخانه‌های تولیدکننده فولاد گفته بود که کارخانه‌های تولیدکننده فولاد با مشکل تأمین سوخت مواجه هستند و در حال حاضر بسیاری از کارخانه‌های تولیدی در این بخش به علت کمبود گاز، نیمه تعطیل شده‌اند. مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صمت تأکید کرده بود که «تأمین گاز به یک معضل جدی برای تولیدکنندگان فولاد تبدیل شده، در حالی که قرار بود روزها ۴۰ میلیون متر مکعب گاز برای کارخانه‌های فولادی در نظر گرفته شود، این میزان به ۱۵ میلیون متر مکعب کاهش یافت و اخیراً در نامه‌ای از سوی شرکت ملی گاز ایران ۱۰ میلیون متر مکعب کاهش یافته است.» کمبود گاز و برق در ایران تقریباً در همین زمان بوده است و در حالی که شاید بتوان بخشی از این بحران‌های گازی را با نیروگاه‌های برق تولید کرد و در وضعیت این حوزه، مداوم از فرسودگی شبکه برق کشور و نیروگاه‌های تأمین برق سخن گفته می‌شود، به ناگاه وزیر خارجه ایران از ساخت نیروگاه تأمین برق ۲۰۰۰ مگاواتی در لبنان سخن می‌گوید. این البته در حالی است که در هفته آغازین مردادماه سال جاری بحران برق در کشور چنان جدی شد که دولت دست به یکی از عجیب‌ترین تعطیلی‌های ممکن زد و در حالی که در اوج دوران کرونا نیز تن به تعطیلی بانک‌ها نداد.

◀ **ناترازی برقی در ایران**

عجیب اینکه اکنون در حالی از سرمایه‌گذاری و ساخت نیروگاه در لبنان سخن گفته می‌شود که عدم سرمایه‌گذاری در صنعت برق در ایران باعث ناترازی و کمبود برق شده و در حقیقت از نظر افکار عمومی این سوال ایجاد می‌شود که اگر می‌توانیم مشکل برق را در جای دیگر حل کنیم، چرا در داخل حل نمی‌کنیم؟ گویا مسئولان کشور نتوانسته‌اند که معضل برق استقبال نمی‌کند و به بخش خصوصی اجازه ورود نمی‌دهند، بلکه حالا به جای حل بحران جدی که منجر به تعطیلی صنایع نیز شده است، می‌خواهند به سراغ کشورهای دیگر برای تأمین برق آن بروند. البته که در این میان سوال دیگری نیز به طور جدی مطرح است و آن اینکه علی‌اکبر محرابیان به عنوان وزیر نیرو دقیقاً چه می‌کند؟

محمد مهاجری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# لاریجانی قربانی جریان خالص‌ساز شد



◀ **سعید جلیلی قدرت پنهان است**

◀ **خالص‌سازان دفاع از انقلاب را در انحصار خود می‌دانند**

◀ **در خواست انتخابات پر شور باید به یک مطالبه ملی تبدیل شود**



آرمان ملی – حمید شجاعی: «جریان خالص‌ساز» واژه‌ای بود که علی لاریجانی به ادبیات سیاسی ایران اضافه کرد که ناظر بر عملکرد جریانی است که در راستای رسیدن به اهداف و منویات خودش محدودیتی نمی‌شناسد و از هر خط قرمزی هم عبور می‌کند. از نظر آنان صحبت و اظهارنظری در خصوص نظام و انقلاب، امام و رهبری انتخابات و هر آنچه که وجود دارد و مورد بحث است زمانی مطلوب است که آنها قبول دارند و جز قرائت خود از مسائل نظر دیگری را بر نمی‌تابند. نمود اجرایی و عملیاتی کارکردنشان بر آن نیز به راحتی می‌توان در مسائل مختلف دید. از نمود سیاسی این عملکرد که در انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ و ریاست جمهوری سیزدهم در خرداد ۱۴۰۰ بروز و ظهور کرد تا نمود فرهنگی آن که همین اواخر شاهد خالص‌سازی دانشگاه‌های کشور با اخراج برخی اساتید برجسته رقم خورده است. به نظر می‌رسد مشارکت حداکثری در انتخابات پیش‌رو در جهت ورود معتدلین به مجلس می‌تواند بازی خالص‌سازان را بر هم ریزد و شرایط را به گونه دیگری رقم زند. در این راستا برای بررسی پیشینه جریان خالص‌ساز، تأثیر آن در جامعه و مسائل مختلف و انتخاباتی که پیش‌روی «آرمان ملی» با محمد مهاجری، فعال سیاسی و رسانه‌ای اصولگرا به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

بیاوریم که کارآمد باشد البته به زعم خودشان. وقتی که این دولت آمد و توانست در جامعه رشد اقتصادی ایجاد کند و وضعیت اقتصادی جامعه را التیام داده و بهبود ببخشد بعد از آن مقداری فضا را باز تر کنند. در حالی که اصلاح این اتفاق نخواهد افتاد و جریان خالص‌ساز هر چه که قدرت به دست بیاورد عطش بیشتری پیدا خواهد کرد و به دنبال کسب قدرت‌های بیشتر خواهد بود و این دوران گذار را هم که گفتیم برای آنها فقط یک تاکتیک است.

◀ **اخیراً مطلبی از شما منتشر بود که امروز آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور کشور است؛ می‌توانید این گفته را به نحوی بسط و گسترش دهید که منظور از این گفته چه بوده است؟**

جریان آقای جلیلی، احمدی نژاد و جبهه پایداری همپوشانی‌های جدی دارند. البته دقیقاً مثل هم نیستند ولی همپوشانی دارند و مثل دایره‌هایی که اصطلاحاً در هندسه به آنها دایره‌های متداخل یا دایره‌های تودر تود می‌گویند. ببینید جریان آقای احمدی نژاد در همین دولت چند وزیر دارد؟ معاون پارلمانی رئیس‌جمهور احمدی‌نژادی؛ وزیر مسکن احمدی‌نژادی؛ وزیر نیرو؛ احمدی نژادی و... که در واقع نشان می‌دهد که جریان آقای احمدی‌نژاد روی کار است و اصلاً همان کابینه است که بخشی از آن به دولت و کابینه آقای رئیسی آمده است.

از آن طرف جریان جبهه پایداری و دانشگاه امام صادقی‌ها که تحت‌نظر آقای سعید جلیلی عمل می‌کنند. مثلاً خاندوزی وزیر اقتصاد یا منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه و باقری کنی معاون سیاسی وزیر امور خارجه و... گویی یک شرکت سهامی تشکیل شده است.

◀ **با توجه به انتخابات پیش‌رو به جز دو جریان مرسوم اصلاح طلب و اصولگرا با دو جریان تازه مواجه هستیم یکی جریان خالص‌ساز و دیگری جریان معتدل طیف آقای لاریجانی که به نظر می‌رسد رقابت اصلی میان این دو جریان باشد؛ اساساً این رقابت را چطور پیش‌بینی می‌کنید و پیروز آن را کدام جریان قلمداد می‌کنید؟**

الان آقای سعید جلیلی و جبهه پایداری همه در یک نقطه اتحاد و اشتراک نظر دارند که انتخابات گسترده و پر مشارکتی شکل بگیرد. رئیس‌جمهور هیچ واکنشی در مورد انتخابات نشان نداده است و آقای وزیر کشور یک بار که محبت کرد و واکنش نشان داد و گفت دنبال انتخابات ۶۰ درصدی هستیم. وقتی که وزیر کشور می‌گوید ۶۰ درصد یعنی منتهی‌ال‌امال خود را می‌گوید در حالی که وزیر کشور باید کسی باشد که روی ۱۰۰ درصد فکر کند که مثلاً روی ۶۰ درصد اجرا شود. وقتی خود وزیر کشور می‌گوید ۶۰ درصد یعنی به واقع خودش حداکثر دنبال انتخابات ۲۰ تا ۳۰ درصدی است. بنابراین پرشور پایداری و جریان تندرو هیچکدام دنبال انتخابات پرشور نیستند. درخواست انتخابات پرشور باید به یک مطالبه ملی تبدیل شود.

فرقی هم نمی‌کند اصلاح طلب، اصولگرا یا اعتدالی هر کس به ایران اعتقاد دارد باید در خواست و مطالبه‌اش انتخابات پرشور باشد و همه ورود کنند.

البته نه به این معنی که همه کاندیدا بدهند بلکه صرفاً همه ورود می‌کنند. اگر این اتفاق افتاد و مثل سال ۹۲ و ۹۶ مجبور به این کار شدیم قطعاً می‌توان امیدوار بود که جریان معتدل پیروز انتخابات باشد، اما اگر هسته سخت مقاومت کند و در مقابل آن جریان‌هایی که واقعاً دنبال صندوق رای هستند سکوت و قهر کنند جریان خالص‌ساز از هم اکنون پیروز انتخابات است، اما اگر آنها پای انتخابات بیایند و مبارزه کنند اما جریان خالص‌ساز و دولت سفت بایستند که هیچ‌کس وارد انتخابات مجلس نشود آن زمان جریان اعتدال، اصلاحات و معتقدین به نظام و انقلاب تکلیف خود را می‌دانند و خواهند گفت که ما زحمت خود را کشیدیم و تلاش کردیم ولی برخی دوست نداشتند که مجلس قوی و بدرد بخوری تشکیل شود. آن موقع شاید عدم حضورشان در انتخابات قابل توجیه باشد. اما به نظر من اینکه شما زمین مبارزه را بدون مبارزه ترک کنید هیچ توجیهی در فرایند مبارزه و فرایند سیاسی ندارد.

طی چند وقت اخیر بسیار در خصوص جریان خالص‌ساز، عملکرد و تأثیر و نفوذش سخن به میان آمده است؛ اساساً پیشینه‌ای هم برای این جریان می‌توان قائل بود حال با نام‌های دیگر؟  
مساله خالص‌سازی در گذشته نیز وجود داشت، اما اسمش خالص‌سازی نبود. بعد از انقلاب آقای محصولی که فرمانده سپاه ارومیه بود شخصی مثل شهید حمید باکری که در سپاه آن شهر همه روی نام وی قسم می‌خوردند و محور تواضع، تقوا و ایمان بود به دلیل اینکه به لحاظ سیاسی با جریان آقای محصولی موافق نبوده؛ جریان خالص‌سازی از سپاه ارومیه حذف کرد که بعدها به اتفاق برادر به جبهه رفتند و به شهادت رسیدند. جریان فکری که بعدها آقای احمدی‌نژاد معرف آن شد از همان موقع که با آقای محصولی مؤلف و رفیق بودند این جریان خالص‌سازی از همان موقع به شکلی در استان آذربایجان ریشه داشت. البته در جاهای دیگری هم بود. این مساله در جریان چپ هم وجود داشت. مثلاً جریان مهدی هاشمی و طرفداران آقای منتظری هم برای خود یک جریان خالص‌ساز داشتند.

بنابراین این جریان پیشینه تاریخی دارد. در سال ۸۴ و بعد از ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد هم این اتفاق افتاد و آنها هم یک پاک‌سازی‌هایی کردند و اجازه ندادند که گروه‌های مختلف در حاکمیت حضور داشته باشد و آقای احمدی نژاد هم خودش نقش مؤلف در جریان خالص‌ساز دارد. در سال ۱۳۹۸ و جریان انتخابات مجلس یازدهم این جریان به صورت پر رنگ تر ورود کرد. به جهت سبقت تاریخی این نکته را هم اضافه کنم که در جریان مجلس سوم هم جریان سیاسی راست آن موقع شروع به خالص‌سازی کرد. حال جلیلی دیگر شاید احتیاجی به اهرم نداشتند، اما در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و... بالاخره لازم بود. مثلاً در انتخابات مجلس هفتم این اتفاق افتاد و جریان آقای حداد عادل بود که ورود کرد برای اینکه منتقدین و مخالفین را کلا از عرصه حذف کند. تا رسیدیم به سال ۹۸ و در نهایت سال ۱۴۰۰ که به صورت آشکار این کار انجام شد. یعنی حذف آقای لاریجانی به عنوان یک اصولگرایی پر سابقه و دارای مناصب اجرایی مختلف که اتفاقاً هیچ گرایش به جریان اصلاح طلب هم نداشت دیدیم که در سال ۱۴۰۰ خیلی آشکار و مشخص قربانی جریان خالص‌ساز شد. لذا اگر بخواهم در یک جمله به این پرسش پاسخ دهم این است که بله از ابتدای انقلاب جریان خالص‌ساز تلاش می‌کرده تا از قول خودش هر غریبه‌ای را از ورود به قدرت منع کند.

◀ **از دیدگاه شما چه اتفاقی رخ می‌دهد که در یک جریان سیاسی با یک مجموعه حاکمیتی از مفاهیمی مثل انتخابات مشارکتی و رقابتی و نهادهای مدنی به سمت و سوی رویکردهای مانند خالص‌سازی حرکت می‌کنند؟**

این مساله ۲ دلیل دارد. نخست اینکه کلا هر جریان سیاسی به دنبال کسب قدرت و افزایش قدرت خودش است. بنا بر این وقتی می‌بینید که یک جریان سیاسی می‌خواهد قدرت بیشتری به دست بیاورد که برای رسیدن به این هدف نیز ناگزیر است که مخالفین خود را از صحنه حذف کند. حتی اگر یک روزی لازم باشد برخی از منتقدین درون تشکیلاتی خود را نیز حذف کند و این کار را انجام دهد. پس یک دلیل کسب قدرت بیشتر است.

مساله دوم اینجاست؛ جریانی فکر می‌کند فقط خودش درست می‌اندیشد و هر اندیشه مخالف و منتقدی غیر حق است و به عبارت دیگر خود حق پنداری و کامل حق پنداری باعث می‌شود که شما تصور کنید همه دیگرانی که در عرصه سیاسی هستند باطل‌اند و فقط شما درست می‌گویید.

خب؛ وقتی شما نگاهی اینگونه دارید و خود را مظهر کامل بودن می‌دانید چاره‌ای ندارید جز اینکه برای اینکه قدرت خود را حفظ کنید یا یک نگاه تهاورد شود. لذا این دو دلیل هستند که هر کسی به دنبال افزایش قدرت خود است و کسانی که متعلق به اخلاقی واقعی نیستند دچار حق پنداری کامل می‌شوند و فکر می‌کنند که برای اینکه حق را به خودشان بدهند و همه حق را تصاحب کنند به دنبال خالص‌سازی می‌روند. البته راه دیگری هم هست کسانی

◀ **برخی معتقدند که جریان خالص‌ساز به دنبال تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف از طریق دولت هستند؛ این مساله را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

بله؛ اکنون آقای سعید جلیلی هم قدرت در سایه و هم قدرت در متن دارند. یعنی آقای جلیلی یک قدرت در سایه دارد که وابسته به یک حلقه سختی است که در جایی بیرون از دولت بسته شده و نیازی به قدرت بیشتری ندارد. این جریان الان قوه مجریه را در اختیار دارند و دنبال این هستند که در انتخابات پیش‌رو قوه مقننه را هم در ادامه همین مجلس یازدهم با مجلس دوازدهمی شکل دهند که حتی همین تعداد نماینده‌ای هم که به عنوان منتقد حضور دارند باز هم با روش خالص‌سازی از خود دور کنند.

حال چرا این کار را انجام می‌دهند باید گفت که آنها دنبال این هستند که یک دوران گذار فراهم کنند. حال این دوران گذار از چیست؟ اینها معتقدند که جمهوری اسلامی در دولت‌های مختلف هاشمی، خاتمی و روحانی دولت‌هایی بودند که از نگاه اینها کارآمدی لازم را نداشتند و بنابراین ما باید بیایم یک دوران گذار درست کنیم و دولتی را سر کار

نگره

درآمد نفتی دولت؛ از ادعا تا واقعیت



برخلاف گزارش‌های ناواضح برخی از محافل اقتصادی، محاسبات نشان می‌دهد شاخص فلاکت از ۶.۴۸ درصد در بهار ۱۴۰۱ به ۳.۶۰ درصد در بهار سال جاری رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این بالاترین سطح این شاخص از ابتدای سال ۹۸ تاکنون بوده است. محاسبات حاکی از رشد شاخص فلاکت در سال جاری است. این شاخص برای بررسی رکود تورمی یک اقتصاد نیز استفاده می‌شود و از جمع تورم سالانه و بیکاری فصلی حاصل می‌شود.

هر چند این شاخص در برآورد میزان رکود تورمی از دقت کافی برخوردار نیست اما ابزاری مفید برای بررسی افق اقتصادی به شمار می‌رود. رکود تورمی نوعی بیماری در اقتصاد تلقی می‌شود که در آن شرایط سیاست‌های مقابله با رکود، تورم را ملتهب‌تر می‌کند و سیاست‌های مرتبط به کنترل تورم، به رکود دامن می‌زند. بر همین اساس، اقتصاددانان راه‌حل را در بهبود سیاست‌های مربوط به تولید و عرضه کالا جست‌وجو می‌کنند. در شرایطی که عرضه مشکلی نداشته باشد اما اقتصاد دچار شوک افزایش تقاضا شود، افراد برای خرید کالای مدنظرشان حاضرند پول بیشتری بپردازند. در این شرایط تولیدکننده نیز خود را با افزایش تقاضا تطبیق می‌دهد و همین نظریه است که کاهش بیکاری را در نتیجه تورم، طبیعی می‌داند. اما اگر تقاضا در حالت عادی باشد و اقتصاد ناگهان با شوکی در سمت عرضه روبرو شود که در آن تولید کالا کاهش می‌یابد، نه تنها تولیدکنندگان در اثر شوک وارده، تولید خود را کاهش می‌دهند، بلکه قیمت کالا نیز در اثر افزایش هزینه‌های تولید، رشد می‌کند.

در این صورت کار به جایی می‌رسد که مصرف‌کننده با توجه به بالا بودن قیمت‌ها نمی‌تواند کالا بخرد و تولیدکننده نیز در اثر این موضوع، در هر دوره تولید خود را بیشتر کاهش می‌دهد و در نهایت برخی کارگران اخراج می‌شوند. در همین رابطه شاخص فلاکت که از جمع دو متغیر بیکاری و تورم به دست می‌آید.

شاخصی که از آن در جهت ارزیابی رکود تورمی استفاده می‌شود. افزایش آن می‌تواند یکی از علائم این پدیده اقتصادی در کشور باشد. بر اساس گزارش‌ها شاخص فلاکت در یک سال گذشته تحت تأثیر جهش تورمی، رشد یافته است. تورم سالانه به دلیل اینکه از ۲۴ ماه برای تخمین تورم استفاده می‌کند، دارای حافظه تاریخی بلندمدت‌تر و نوسان کمتری نسبت به تورم نقطه‌ای است. برخلاف ادعای برخی از خبرگزاری‌ها، شاخص فلاکت از ۶.۴۸ واحد در بهار ۱۴۰۱ به ۳.۶۰ در بهار ۱۴۰۲ رسیده و همچنان صعودی است. طبق تعریف برای محاسبه شاخص فلاکت نیاز است تا از تورم سالانه در فرمول استفاده شود.

تورم سالانه نیز به معنای رشد میانگین شاخص قیمت مصرف‌کننده در ۴ فصل منتهی به هر مقطع نسبت به موقعیت مشابه خود در سال گذشته است. شاخص مورد نیاز دیگر نیز در این مقایسه نرخ بیکاری بوده که در داده‌های مرکز آمار به صورت فصلی عنوان می‌شود. در صورت استفاده از تورم نقطه به نقطه در این شاخص، حاصل مقدار صحیحی را نشان نخواهد داد. طبق داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در بهار سال جاری نسبت به ۱۴۰۱ بیکاری یافته است. چون شاخص فلاکت از حاصل جمع بیکاری و تورم به دست می‌آید، افزایش شدید تورم موجب افزایش نرخ فلاکت شده و به اشتباه سیگنال رکود تورمی را به خواننده ارسال می‌کند. بنابراین افزایش شاخص فلاکت در فصول اخیر به دلیل جهش تورمی سال گذشته بوده و لزوماً نمی‌توان از این شاخص به رکورد تورمی رسید.

◀ **شاخص فلاکت بهار امسال در اوج ۴ سال**

هفته گذشته برخی رسانه‌ها خبری تحت عنوان برابری درآمد نفتی دولت ابراهیم رئیسی در یک‌ماه مرداد با کل درآمد نفتی سال ۱۳۹۹ منتشر کردند. اما آیا بروز چنین اتفاقی شدنی است؟ به گزارش تجارت‌نیوز، در حالی که درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۸.۳ میلیارد دلار بوده، تنها سه‌شنبه‌ایستاد در گزارشی مدعی شد که دولت رئیسی روزها در مرداد امسال به اندازه کل سال ۹۹ درآمد نفتی داشت. این ادعایی است که حتی با اظهارات مسئولان دولت نیز همخوانی ندارد و در هیچ آمار رسمی مشاهده نمی‌شود.

اما به نظر می‌رسد اکنون رسانه‌های نزدیک به دولت به جای بازنمایی واقعیت‌های موجود در اقتصاد و استفاده از راهکارهای کارشناسان و پیشنهاد آن به دولت، با ارائه اعداد و طرح ادعاهای بزرگ به دنبال دستاوردسازی برای دولت هستند و از این طریق سعی در دستکاری افکار عمومی دارند.

از سوی دیگر، وقتی چنین اعدادی طرح می‌شود، مردم انتظار دارند که در سفره خود آن را احساس کنند، اما آیا مردم درآمد ۳.۱۸ میلیارد دلاری ادعا شده را در سفره خود احساس کرده‌اند؟ مویده حسینی صدر، نماینده ادوار مجلس، گفت: آماري که به آن اشاره شده، قطعاً دقیق نیست، چرا که هیچ‌گاه فروش نفت ایران از ۷۰۰ هزار تا ۸۰۰ هزار بشکه پایین‌تر نیامده است و اگر بگویید فروش نفت در یک ماه به اندازه یک سال بود حداقل باید ۲۵۰ میلیون تا ۳۰۰ میلیون بشکه نفت در یک ماه فروشد و چنین چیزی از نظر فنی امکان‌پذیر نیست.